الرایة

نسخه فارسی

روزنامه سیاسی هفتگی

ای مسلمانان! اگر شما خلیفه‌ای داشتید که بر منهاج نبوت حکومت می‌کرد، ترامپ و امثال او پیش از آنکه جرأت کنند حتی یک کلمه علیه شما یا اسلام بر زبان آورند، هزار بار حساب و کتاب می‌کردند. پس بر شماست که اهل قدرت و نفوذ را با تمام توان وادار کنید تا خلافت را برپا کنند، چراکه در طول تاریخ، این ارتش های خلافت بوده‌اند که وسوسه‌های شیطانی را از ذهن هر متجاوز و طمع‌کاری زدوده‌اند.

در این شماره می خوانید :

سفر خفت‌بار پادشاه اردن به آمریکا...۲

آیا اظهارات مصر درباره‌ی طرح ترامپ یک مانور سیاسی است یا موضعی اصولی؟...۲

ساختار دولت در سوریه باید تنها بر پایه‌ی عقیده‌ی اسلامی بنا شود ...۳

ای غزه‌ی عزت و افتخار... تاریخ به یاد خواهد داشت...۴

آیا سیاست قرقیزستان وابسته به چین است؟ ...۴

چهارشنبه ۲۰ شعبان ۱۴۴۶ هـ.ق ، ۱۹ فوریه ۲۰۲۵ م ، ۱۰ اسفند ۱۴۰۳هـ.ش | الرائد الذي لا يكذب أهله | شماره :۵۳۵ | تعداد صفحات :۴

ترامپ و نوکرت، نتانیاهو! چشم هایتان کور شده است و فریبکار، شما را درباره‌ی خدا مغرور ساخت، سرنوشت هم‌پیمانانتان از روم، پارس و نوکرانتان از یهود را فراموش

عالم گران‌قدر عطاء بن خلیل ابوالرشته

ترامپ و اطرافیانش همچنان اظهارات خود را تکرار می‌کنند که او غزه را خواهد خرید و مالک آن خواهد شد، «کَبُرَت کلِمَةً تَخرُجُ مِن أفواهِهِم إن یقولُونَ إلّا کَذِباً». (در سابق هم رئیس‌جمهور آمریکا ترامپ بر طرح خود برای کنترل ایالات متحده بر غزه و اخراج فلسطینیان از آن تاکید کرد و گفت که او متعهد به خرید و مالکیت غزه است... این سخنان در یک اظهار نظر جدید ترامپ عصر یکشنبه، در هواپیمای ریاست جمهوری در راه خود به نیواورلئان برای حضور در مسابقه سوپر بول بیان شد... بی‌بی‌سی، ۲۰۲۵/۲/۱۰). سپس در دیدار با پادشاه اردن گفت: «فلسطینیان در مکانی دیگر غیر از غزه در امنیت زندگی خواهند کرد و من متوجه هستم که ما می‌توانیم به یک راه‌حل برسیم». ترامپ ادامه داد: «ما غزه را به درستی مدیریت خواهیم کرد و آن را نخواهیم خرید» طبق آنچه رویترز نقل کرده است و در پاسخ به سؤالی درباره الحاق کرانه باختری توسط اسرائیل، ترامپ گفت که «این مسئله به نتیجه خواهد رسید». (رویترز – ارم نیوز، ۲۰۲۵/۲/۱۱). او پیش‌تر نیز اظهار کرده بود که اسرائیل غزه را پس از پایان جنگ به ایالات متحده تحویل خواهد داد و پیش‌بینی کرده بود که ایالات متحده مالکیت طولانی‌مدتی بر این منطقه فلسطینی خواهد داشت... الجزیره، ۲۰۲۵/۲/۲۶.

این فرد مستبد و مغرور نمی‌فهمد که چه می‌گوید، گمان می‌کند که غزه در تملک او یا در تملک نوکرش نتانیاهو است که بتواند آن را بفروشد و بخرد یا نتانیاهو آن را به او واگذار کند! انگار که استبدادش او را از عقل و بینایی محروم کرده است و فراموش کرده یا خود را به فراموشی زده است که چه بر سر امثال او آمده است پیش از او نیز پادشاهان مستبد فارس و قیصرهای روم همین مسیر را طی کردند. تا جایی که خسرو، زمانی که از بعثت پیامبر خدا ﷺ آگاه شد، از روی غرور یکی از افراد خود را فرستاد و به او گفت: «به جزیره برو و سر او را برای من بیاور». این سخن از شدت غرور او بود! ابن هشام در سیره نقل می‌کند: خسرو پرویز به باذان نوشت: به من خبر رسیده که مردی از قریش در مکه خروج کرده و ادعا می‌کند که پیامبر است. به سوی او برو و او را تحت فرمان خود درآور، اگر بازگشت که هیچ، وگرنه سرش را برای من بفرست) سرانجام، پادشاهی او نابود شد و قدرت خسرو با ضربات لشکریان مسلمانان از بین رفت تا اینکه فارس فتح شد و نور اسلام در آن تابید و اما قیصر روم، ارتشی برای نابودی مسلمانان در یرموک آماده کرد، اما سرانجام کارش به شکست کشید و از شام فرار کرد، در حالی که می‌گفت: «خداحافظ سوریه، خداحافظی که دیگر دیداری نخواهد بود». سپس به زادگاهش در قسطنطنیه بازگشت تا اینکه فتح شد و به سرزمین اسلام تبدیل گردید.

اما نوکران خردشان از یهود، هیچ شأن و ارزشی ندارند، بلکه در هر جایی که باشند، خوار و ذلیل‌اند: «ضُرِبَت علیهِم الذِّلّةُ أینَ ما ثُقِفوا إلّا بِحَبلٍ مِّنَ اللّهِ وَحَبلٍ مِّنَ النّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللّهِ وَضُرِبَت عَلَیهِمُ

ادامه صفحه ۳

هیئتی از حزب التحریر ولایت تونس با رئیس جبهه‌ی نجات ملی دیدار کرد

طبق بیانیه‌ی مطبوعاتی صادر شده از سوی دفتر رسانه‌ای حزب التحریر ولایت تونس، کمیته‌ی ارتباطات مرکزی حزب التحریر در تونس، روز سه‌شنبه ۱۱ فوریه ۲۰۲۵، احمد نجم الشابی، رئیس جبهه‌ی نجات ملی را به حضور پذیرفت. این دیدار در سالن کنفرانس حزب در مقر آن در سکرة، اریانة، برگزار شد و از جمله‌ی استقبال‌کنندگان: استاد العربی کرباکة عضو حزب، استاد الحبیب حجاجی، تمیم نوره، دکتر فیصل درغوث و مهندس یاسر الأنور، اعضای کمیته‌ی ارتباطات مرکزی حزب التحریر در تونس. این دیدار در پاسخ به سفری بود که پیش‌تر، هیئتی از کمیته‌ی ارتباطات حزب به مقر جبهه‌ی نجات ملی انجام داده بود.

مباحث اصلی این نشست حول مبانی فکری فعالیت سیاسی و تضاد منابع تشریع میان اسلام و اندیشه‌ی غربی متمرکز بود. هیئت حزب به مهمان خود توضیح داد که تنها راه رهایی بشریت از ظلم نظام سرمایه‌داری، بازگشت به اسلام و راه‌حل‌های عادلانه‌ی آن است.

مقاله برگزیده

پوشش فعالیت‌های جهانی حزب التحریر در صد و چهارمین سالگرد سقوط خلافت

استاد رولا ابراهیم

در صد و چهارمین سالگرد سقوط خلافت، مصیبت‌ها و بلاهایی که بر سر مسلمانان می‌آید، همچنان پی‌درپی و یکی پس از دیگری رخ می‌دهد. درد این مصیبت سخت، شدیدتر می‌شود و زخم عمیقی که در قلب امت ما ایجاد شده، همچنان خون‌چکان است. این واقعیت روزبه‌روز آشکارتر می‌گردد که مسلمانان، با از دست دادن دولت خلافت، منبع عزت و قدرت خود را از دست داده‌اند. در این میان، کسانی که با طریق سیاسی و فکری، به پیروی از پیامبر اکرم ﷺ، برای از سرگیری زندگی اسلامی از طریق برپایی خلافت راشده دوم بر منهج نبوت تلاش می‌کنند. همان کسانی که با خداوند و رسولش و با امتشان پیمان بسته‌اند که هرگز خسته نشوند، هرگز ناامید نشوند و هرگز از مسیر نبوت خیانت نکنند تا خداوند این دین را آشکار سازد و آن را پیروز گرداند یا خود در این راه جان ببازند. در سراسر جهان، جوانان حزب التحریر این سالگرد دردناک را با فعالیت‌های ویژه‌ای زنده نگه داشتند. این فعالیت‌ها شامل تجمع‌های اعتراضی، تماس‌های ویژه، پیام‌های تصویری، کنفرانس‌ها، بیانیه‌ها و اقدامات دیگری بود که به این مناسبت انجام شد.

دفتر رسانه‌ای مرکزی حزب التحریر به مناسبت این سالگرد تلخ، یک کمپین جهانی برای پوشش جامع این رویدادها راه‌اندازی کرد. این کمپین با سخنرانی مهندس صلاح‌الدین عضاضه، مدیر دفتر رسانه‌ای مرکزی حزب التحریر آغاز شد که طی آن اعلام کرد: «خلافت راشده بر منهج نبوت، نجات‌بخش جهان و بشریت است».

بخش زنان حزب التحریر نیز در این رویداد مشارکت داشت و در بیانیه‌ای اعلام کرد: «هیچ‌کس جز خلیفه‌ی مسلمانان، سرزمین‌های غصب‌شده‌ی ما را آزاد نخواهد کرد، کشورهایمان را متحد نخواهد ساخت و پرچم‌مان را برافراشته نخواهد نمود». این بیانیه همچنین خطاب به ارتش‌ها این پرسش را مطرح کرد: «تا چه زمانی این زنجیرهای ذلت‌بار را تحمل خواهید کرد؟ آیا وقت آن نرسیده است که از روی وفاداری به آن، پایبندی به دینتان و برای کسب رضایت پروردگارتان به یاری خلافت برخیزید؟»

دفتر رسانه‌ای مرکزی از طریق شبکه تلویزیونی الواقیه یک کنفرانس جهانی رسانه‌ای تحت عنوان «اصول ثابت در مسیر خلافت» برگزار کرد. در این کنفرانس، جمعی از حاملان دعوت برای برپایی خلافت حضور داشتند و آن را استاد عدنان مزیان اجرا کرد.

نخستین سخنرانی توسط مهندس باهر صالح با عنوان «تا زمانی که از آیین آنان پیروی کنید» ارائه شد. مهم ترین نکته‌ای که در این سخنرانی مطرح شد، این بود که غرب هرگز به چیزی کمتر از ارتداد و انکار اسلام رضایت نخواهد داد. هدف اصلی آن‌ها در سرزمین‌های اسلامی در دو مورد خلاصه می‌شود: اول، تضمین عدم بازگشت اسلام و دوم، تضمین تداوم استعمار این سرزمین‌ها و غارت ثروت‌هایشان.

سخنرانی دوم توسط خواهر گرامی، رنا مصطفی با عنوان «اقلیت‌ها و حقوق زنان» ارائه شد. او در سخنانش تاکید کرد که غرب به جایگاه عظیم و نقش مهم زنان در ساختار خانواده و جامعه پی برده است، از این‌رو، تیرهای خود را مستقیماً به سوی آنان نشانه گرفته است.

سخنرانی سوم توسط استاد احمد الصوفی تحت عنوان «ذلت در دین و روش تدریجی» ارائه شد. او تاکید کرد که مداهنه، سازش‌کاری، سیاست تدریجی، نرمش در دین و کوتاه آمدن از اصول، هیچ‌کدام بخشی از روش نبوت نیستند. بلکه راه پیامبر ﷺ اجرای کامل احکام اسلام بر ویرانه‌های حکومتی است که از بین خواهد رفت.

سخنرانی چهارم توسط پروفسور محمد الملکاوی با عنوان «تنها خلافت، راه‌حل اساسی است» ارائه شد. وی در سخنانش گفت: به همین دلیل ما پیوسته بر این نکته تاکید می‌کنیم که فرزندان این امت، به‌ویژه جوانان آن، باید در دست ما بگذارند و در مسیری که بر اساس بصیرت و آگاهی ترسیم کرده‌ایم، برای احیای قدرت اسلام، به‌طور جدی و مستمر تلاش کنند.

ادامه صفحه ۳

تشکیلات خودگردان فلسطین قدم به‌قدم از یهود پیروی می‌کند و اعمالشان را تقلید می‌نماید

تشکیلات خودگردان فلسطین در شب جمعه ۱۴ فوریه ۲۰۲۵، جنایتی مرتکب شد، بلکه مجموعه‌ای از جنایات را در شهرک بیت فجار، واقع در ناحیه بیت لحم، انجام داد. مزدوران این تشکیلات به خانه‌ی محمد یوسف طقاطقه یورش بردند و با شیوه‌ای وحشیانه و بی‌رحمانه به درب منزلش کوبیدند. آن‌ها به زبان عبری صحبت می‌کردند تا اهل خانه را به این باور برسانند که از نیروهای ارتش یهود هستند. هنگامی که درب خانه برای آن‌ها باز شد، بلافاصله گاز فلفل را به صورت او پاشیدند و با قنداق تفنگ‌هایشان او را به شدت کتک زدند. داوود شاعر که سرکرده‌ی این جنایت بود، همسر محمد را تهدید کرد که در صورت فیلم‌برداری از این جنایت، او را مجازات خواهد کرد. هنگامی که برادران محمد برای دفاع از او اقدام کردند، آن‌ها نیز به شدت مورد ضرب‌وشتم قرار گرفتند و از نزدیک شدن به او منع شدند. تمامی حاضران در صحنه تصور می‌کردند که این مهاجمان، نیروهای ارتش یهود هستند، اما هنگامی که داوود شاعر، مسئول دستگاه اطلاعاتی تشکیلات خودگردان فلسطین، شناسایی شد، حقیقت آشکار گردید. در این حمله، علاوه بر محمد، فادی و محمود ثوابتة نیز بازداشت شدند و تلاش‌هایی برای دستگیری افراد دیگری نیز صورت گرفت.

در واکنش به این جنایت، بلکه این جنایات ننگین که توسط این تشکیلات خیانتکار و ننگ‌آور انجام شد، دفتر رسانه‌ای حزب التحریر در سرزمین مبارک فلسطین بیانیه‌ای مطبوعاتی منتشر کرد و اعلام داشت: تشکیلات خودگردان و نیروهای آن، نه‌تنها زبان و شیوه‌های یهود را پذیرفته‌اند، بلکه همانند آنان به دشمنی با مردم فلسطین پرداخته‌اند. هرچه یهود بیشتر آنان را تحقیر کند و مردانگی‌شان را لگدمال نماید، آن‌ها به یهود نزدیکتر شده و از مردم فلسطین دورتر می‌شوند. خداوند متعال، حقیقت این افراد را چنین توصیف کرده است: «أَلَم تَرَ إِلَى الَّذِینَ تَوَلَّوا قَوماً غَضِبَ اللّهُ عَلَیهِم مَّا هُم مِّنکُم وَلَا مِنْهُم وَیَحْلِفُونَ عَلَى الْکَذِبِ وَهُمْ یَعْلَمُونَ * أَعَدَّ اللّهُ لَهُمْ عَذَاباً شَدِیداً إِنَّهُمْ سَاءَ مَا کَانُوا یَعْمَلُونَ».

بیانیه در ادامه افزود: اگر در میان تشکیلات خودگردان و نیروهای آن، فردی عاقل وجود داشت، بارها و بارها در کار خود می‌اندیشید. یهود، شما را می‌کشد، در مقرهایتان تحقیر می‌کند و شما را تروریست می‌خواند، باوجود تمام خدمات ننگ برانگیزتان به آن‌ها! تمام جنایات شما، از قتل و بازداشت و شکنجه‌ی مردم فلسطین به نیابت از یهود، هیچ سودی برایتان نداشته و نخواهد داشت، بلکه تنها بر خواری و تحقیر شما نزد دشمنان می‌افزاید. آن‌ها حتی پروژه‌ی دولت فلسطینی را که شما به خاطر آن، فلسطین و مردم آن را فروختید، از بین بردند و در این میان، شما بیشتر در ذلالت فرو رفتید و دشمن، بیش از پیش، شما را تحقیر کرد؛ اما شما همچنان در مسیر بندگی برای او، با اذیت و آزار دوستان خدا در فلسطین، پیش می‌روید. آیا نمی‌بینید که با تمام این کارها، رضایت اربابانتان را جلب نکرده‌اید، بلکه نزد خداوند و بندگانش منفورتر شده‌اید؟ آیا عقل ندارید؟!

بیانیه با این جملات پایان یافت: ما به تشکیلات خودگردان، نیروهای امنیتی آن و جنایتکاران حاضر در آن هشدار می دهیم که دستان خود را از سر مردم فلسطین و جوانان حزب التحریر کوتاه کنید! از آزار پاکان دست بکشید! اگر از خداوند و روز قیامت نمی‌ترسید، پس به سرنوشت کسانی که پیش از شما در نظام‌های سرکوبگر حکومت کردند، بنگرید. آن‌ها از شما قدرتمندتر و ستمگرتر بودند، اما خداوند آنان را به‌خاطر گناهانشان نابود ساخت و هیچ پناهی برایشان نبود!

بپاخیزید تا نقشه‌های یهود و آمریکا را نقش بر آب کنید

ای امت اسلام، ننگ و گناهی بزرگ است که تمامی امکانات و توانایی‌های مادی و انسانی را برای آزادسازی سرزمین مبارک از پلیدی یهود در اختیار داشته باشی، اما اقدامی نکنی! بلکه دست یهود را برای فساد و جنایت در کرانه‌ی باختری باز بگذاری، همان‌گونه که در نوار غزه رخ داد و هیچ واکنشی نشان ندهی! ما تو را یادآوری و هشدار می دهیم که این رژیم جنایتکار، به مرزهای سرزمین مبارک اکتفا نخواهد کرد، بلکه با حمایت ترامپ، به دنبال تحقق رویاهای توراتی خود خواهد رفت. ترامپی که معتقد است مساحت اسرائیل کوچک است و باید گسترش یابد. ما به طور ویژه خطاب به مردم اردن و مصر و ارتش‌های آنان سخن می‌گوییم که ترامپ قصد دارد مردم غزه را به آنجا کوچ دهد، گویی این سرزمین‌ها متعلق به او هستند و مردم آن، بردگان فرمان‌بردارش! پس ای امت؛ اهل سرزمین مبارک را دریاب و برای یاری آنان و خنثی‌سازی توطئه‌های یهود و آمریکا قیام کن، با سرنگونی نخستین مانع، یعنی حاکمان خائن و سپس حرکت به‌سوی آزادسازی سرزمین مبارک، یا اینکه ننگ، غضب و عذاب خداوند در دنیا و آخرت نصیب تو خواهد شد. «وإن تَتَوَلَّوا یَستَبدِل قَوماً غَیرَکُم ثُمَّ لَا یَکُونُوا أَمثَالَکُم».

نظرات سیاسی

سفر خفت‌بار پادشاه اردن به آمریکا

استاد خالد الحکیم

پیش از آنکه پادشاه عبدالله در روز پنجشنبه ۶ فوریه ۲۰۲۵ اردن را به مقصد بریتانیا و آمریکا ترک کند، دونالد ترامپ بار دیگر فشارهای خود را بر او افزایش داد تا فلسطینیان بیشتری را در اردن بپذیرد. ترامپ در یک تماس تلفنی به او گفت: «من به او گفتم که دوست دارم او افراد بیشتری را بپذیرد، زیرا وقتی اکنون به نوار غزه نگاه می‌کنم، آن را در وضعیت هرج‌ومرج کامل می‌بینم. این یک آشفتگی واقعی است». پیش از این سفر، پادشاه اردن مجموعه‌ای از تماس ها را با برخی از رهبران عرب و دبیرکل سازمان ملل متحد برقرار کرد و در آن تأکید نمود که با کوچ اجباری فلسطینیان مخالف است و بر ضرورت تثبیت آن‌ها در سرزمینشان تأکید دارد. پس از هماهنگی با عبدالفتاح السیسی و محمد بن سلمان، ترامپ کمک‌های آمریکا به اردن را متوقف کرد و همچنین بودجه پروژه‌های آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا (USAID) در اردن را قطع نمود.

با توجه به اینکه این سفر و دیدار پرمخاطره با ترامپ، اهمیتی حیاتی و سرنوشت‌ساز برای نظام اردن داشت، پادشاه عبدالله ناگزیر شد پیش از سفر به آمریکا، به بریتانیا، ارباب اصلی خود، برای مشورت و هماهنگی سفر کند؛ با وجود آنکه تنها سه ماه پیش نیز به آنجا سفر کرده بود. او در هر دو سفر خود با پادشاه چارلز، نخست‌وزیر کی یر استارمر و سایر مقامات دیدار کرد؛ اما همان‌گونه که همیشه اتفاق می‌افتد، جزئیات این دیدارها هرگز فاش نمی شود، چراکه بریتانیا خانه‌ی فرمانبرداری اردن از بدو تاسیس آن بوده است؛ بنابراین، این سفر به طور ضمنی به‌عنوان سفری برای دریافت دستورات جدید، به‌ویژه در مورد مسائل حساس و حیاتی منطقه، در نظر گرفته می‌شود.

پادشاه عبدالله روز سه‌شنبه ۱۱ فوریه ۲۰۲۵ با لبخندی بر چهره، در آستانه درب کاخ سفید، با ترامپ ملاقات کرد، پیش از آنکه گفت‌وگوهایشان آغاز شود. آن‌ها توافق کرده بودند که از برگزاری یک کنفرانس خبری خودداری کنند تا از بروز هرگونه شرمندگی و موقعیت‌های ناخوشایند جلوگیری شود؛ اما ترامپ که به‌خوبی از وابستگی عبدالله به بریتانیا و سفر اخیر او به آنجا آگاه بود، با زیرکی کامل، درهای اتاق نشست را برای عکاسان و خبرنگاران کاملاً باز گذاشت و به آنان اجازه داد تا آزادانه وارد سالن ملاقات شوند. این تصمیم، به عبدالله ضربه‌ای سنگین وارد کرد، زیرا خبرنگاران پرسش هایی مطرح کردند که او را در وضعیت دشوار و شرم‌آوری قرار داد. پادشاه اردن که در پشت پرده، با رؤسای جمهور آمریکا به گونه دیگر سخن می‌گوید ولی در مقابل دوربین‌ها سخنانی ضعیف و بی‌اثر بیان کرد و رفتارهای متفاوتی را در برابر رسانه‌ها و ملت خود نشان داد و این دقیقاً همان چیزی بود که ترامپ می‌خواست رخ دهد!

این مقاله مجال پرداختن به بحث‌های رسانه‌ای، به‌ویژه تفسیرها و توجیه‌های رسانه رسمی اردن برای اصلاح و توجیه کردن موضع پادشاه را ندارد؛ اما بد نیست نگاهی گذرا به برخی از عبارات غیرقابل انکار که در گفت‌وگوی میان او و ترامپ مطرح شد، داشته باشیم:

ترامپ: ما همین حالا چند گفت‌وگوی کوتاه انجام دادیم و پس از آن، گفت‌وگوهای طولانی‌تری خواهیم داشت. مایه افتخار ماست که امروز شما و پسرتان در کنار ما هستید. اگر دوست دارید چند کلمه بگویید، بسیار سپاسگزارم.

پادشاه عبدالله: جناب رئیس‌جمهور، صداقانه معتقدم که با تمام چالش‌هایی که در خاورمیانه با آن روبه‌رو هستیم، سرانجام شخصی را می‌بینم که می‌تواند ما را برای تحقق ثبات، صلح و شکوفایی برای همه‌ی ما در منطقه به خط پایان برساند.

خبرنگار: جناب رئیس‌جمهور، چرا پادشاه اردن باید فلسطینیان را بپذیرد؟ او به‌وضوح گفته است که نمی‌خواهد این کار را انجام دهد؟

ترامپ: نمی‌دانم، اما شاید او بخواهد درباره این موضوع چیزی بگوید، زیرا ما به‌طور خلاصه در این مورد بحث کردیم. فکر می‌کنم شاید بخواهی اکنون چیزی بگویی؟

پادشاه عبدالله: خب، جناب رئیس‌جمهور، فکر می‌کنم باید یادآوری کنیم که مصر و کشورهای عربی یک طرح دارند. ما به دعوت محمد بن سلمان، برای مذاکرات به ریاض فراخوانده شده‌ایم. نکته‌ی اساسی در اینجا این است که چگونه می‌توان این مسئله را به گونه‌ای پیش برد که به نفع همه باشد. بدیهی است که ما باید به منافع برتر ایالات متحده، مردم منطقه و به‌ویژه مردم خودم در اردن توجه داشته باشیم. فکر می‌کنم یکی از اقداماتی که می‌توانیم فوراً انجام دهیم، پذیرش ۲۰۰۰ کودک فلسطینی مبتلا به سرطان یا بیماری‌های وخیم در اردن در سریع‌ترین زمان ممکن است. سپس منتظر خواهیم ماند تا ببینیم مصر چه برنامه‌ای برای مدیریت چالش‌های غزه، در همکاری با رئیس جمهور، ارائه خواهد کرد.

ترامپ: این واقعاً حرکتی زیباست، کار فوق‌العاده‌ای است و ما سایر مسائل را با مصر هماهنگ خواهیم کرد. فکر می‌کنم شما به‌زودی شاهد پیشرفت‌های بزرگی خواهید بود. فکر می‌کنم در اردن پیشرفت زیادی را خواهید دید؛ اما فلسطینیان، یا کسانی که اکنون در غزه زندگی می‌کنند، در جای دیگری به شیوه‌ای مناسب و خوب زندگی خواهند کرد. آن‌ها در امنیت خواهند بود.

خبرنگار: جناب رئیس‌جمهور، شما گفتید فلسطینیان در مکانی دیگر و در امنیت زندگی خواهند کرد. دقیقاً کجا قرار است آن‌ها را اسکان دهید؟

ترامپ: خب، موضوع این نیست که من بخواهم آن‌ها کجا زندگی کنند، بلکه این تصمیمی است که ما به‌عنوان یک گروه، به طور مشترک، خواهیم گرفت و فکر می‌کنم که یک منطقه‌ای در اردن و منطقه‌ای دیگر در مصر خواهیم داشت.

خبرنگار: آیا در اردن زمینی وجود دارد که بخواهید آن را برای اسکان فلسطینیان اختصاص دهید؟

پادشاه عبدالله: همان‌طور که گفتم، ما باید ابتدا منافع کشور خودم را در نظر بگیریم و فکر می‌کنم دوباره تأکید کنم که رئیس‌جمهور در حال برنامه‌ریزی برای دعوت از گروهی از رهبران عرب به‌منظور بحث درباره طرح جامع است.

این همان اتفاقی است که در نشست عمومی رخ داد که پس از آن مشورت‌های طولانی در همان زمینه ادامه یافت. از خلال این نشست، به‌وضوح مشخص شد که پادشاه اردن از غافلگیری ترامپ دچار تنش و حیرت شده بود، زیرا ترامپ او را در موقعیتی قرار داد که نه توانایی پاسخ‌گویی داشت و نه جرات واکنش نشان دادن، به‌ویژه زمانی که ترامپ گفت: «ما در اردن قطعه زمینی خواهیم داشت که ساکنان غزه به آنجا منتقل خواهند شد». در آن لحظه، لازم بود که پادشاه با صراحت و قاطعیت بگوید: «نه چنین چیزی هرگز رخ نخواهد داد!»، اما چگونه می‌توانست چنین کند، در حالی که خود او در برابر ترامپ چاپلوسی می‌کرد، او را کسی می‌دانست که می‌تواند صلح را برقرار کند و منافع آمریکا را بر منافع کشورش ترجیح می‌داد؟!

پیام‌های استقبال از پادشاه که توسط برخی از مردم در اردن منتشر شد و بحروشی با هماهنگی و مشوق‌های نهادهای رسمی دولتی ترتیب داده شده بود، در واقع حامل این پیام بودند که اگر واقعاً در ادعای خود صادق هستی که می‌گویی منافع ملتت در اولویت قرار دارد، پس این ادعا باید با اقدامات عملی و واقعی همراه باشد! زیرا اکنون کاملاً آشکار شده است که آمریکا دشمن شماره‌ی یک مردم اردن، فلسطین و تمامی ملت‌های منطقه است.

نابراین، منافع واقعی مردم اردن ایجاب می‌کند که پیمان دفاع مشترک با آمریکا لغو شود، پایگاه‌های نظامی آمریکا در اردن تعطیل و نیروهای نظامی آن از کشور اخراج شوند و اردن دیگر به کمک‌های استعماری آمریکا وابسته نباشد و به جای آن، از ثروت‌های عظیم داخلی خود بهره ببرد. همچنین، اگر ادعای حمایت از منافع مردم اردن صداقانه باشد، این امر مستلزم آن است که پیمان وادی عربه با رژیم یهود لغو گردد، تمامی توافق‌نامه‌های امضا شده با این رژیم از بین برود و حتی، وضعیت جنگی با این رژیم اعلام شود! زیرا مردم اردن اکنون به این باور رسیده‌اند که تنها راه‌حل عملی و مشروع برای مسئله فلسطین، مبارزه مسلحانه با یهود و اخراج آن‌ها از سرزمین فلسطین است، نه پذیرش موجودیت آن‌ها حتی بر ذره‌ای از این سرزمین. این باور پس از آن رشادت‌های مجاهدان غزه و ایستادگی قهرمانانه‌ی آنان را مشاهده کردند، محکم‌تر شد رشادتی که رژیم یهود را خوار و خفیف کرد و هاله‌ی قدرت پوشالی آن را در هم شکست.

پناه بردن به حکام مصر و عربستان سعودی در گفت‌وگو با ترامپ و ادعای وجود یک طرح مشترک عربی، چیزی جز تسلیم شدن در برابر نقشه‌های آمریکا نیست. شاید همین چیزی است که آمریکا می‌خواهد با مطرح کردن داستان مهاجرت اجباری که به‌ظاهر رد شده، اما در واقع برای بالا بردن سطح مطالبات غیرمنطقی است تا در نهایت، طرح جدید آمریکا برای تسویه‌ی نهایی قضیه فلسطین، به دست مزدوران آن در مصر، عربستان سعودی و سایر کشورهای منطقه، اجرایی شود. حاکمان عرب هیچ‌گاه گرد هم نمی‌آیند، مگر برای توطئه‌چینی علیه ملت‌های خود! در حالی که شایسته بود آنان به‌راستی برای رهایی از زنجیرهای استعمار غربی کافر متحد شوند و از خیانت به این و آن دست بردارند. مرزهای سایکس پیکو آنان را از هم جدا کرده است، اما از سرنوشت طاغوت‌هایی که پیش از آنان به هلاکت رسیدند، عبرت نمی‌گیرند!

خلاصه: بازیابی عزت و شرافتی که پادشاه اردن و همتایان خائن گذشته و حال او آن را زیر پا گذاشته‌اند، تنها در گرو بازگرداندن خلافتی است که با عدالت و رحمت خود بر جهان حاکم بود. همان خلافتی که خلیفه‌ی آن نوشت: «بسم الله الرحمن الرحیم، از هارون، امیرالمؤمنین، به نقفور، سگ روم؛ نامه‌ات را خواندم، ای پسر زن کافر! پاسخت را نه با کلمات، بلکه با چیزی که خود خواهی دید، دریافت خواهی کرد. والسلام». این همان خطابی است که امت، بی صبرانه از خلیفه‌ی آینده‌ی خود که به‌زودی به اذن خدا خواهد آمد، انتظار دارد، خطابی که خطاب به ترامپ و سران یهود خواهد بود: «وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنَصْرِ اللَّهِ».

آیا اظهارات مصر درباره‌ی طرح ترامپ یک مانور سیاسی است یا موضعی اصولی؟

استاد محمود اللیثی

اظهارات دیپلمات‌های مصری حاکی از آن است که عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، سفر برنامه‌ریزی شده‌ی خود به واشنگتن را به تعویق خواهد انداخت، زیرا تنش‌ها میان مصر و آمریکا رو به افزایش است. (ایلاف)

این اظهارات درباره‌ی امتناع السیسی از سفر به آمریکا تا زمانی که طرح ترامپ برای کوچ اجباری مردم غزه همچنان روی میز است، جنجال زیادی برانگیخت و سؤالاتی را درباره‌ی موضع واقعی مصر در قبال مسئله فلسطین، میزان جدیت آن در مقابله با پروژه‌های تسویه‌ی نهایی این پرونده و اینکه واقعاً چه کسی از دیدار با دیگری امتناع می‌کند، مطرح کرد. آیا این السیسی است که حاضر به دیدار ترامپ نیست، یا ترامپ است که از السیسی چیزی جز پذیرش کامل خواسته‌هایش نمی خواهد؟ ترامپ او را همچون کارمندی در کاخ سفید می بیند که باید بدون چون‌وچرا دستوراتش را اجرا کند، چنان‌که تصاویر گرفته‌شده در سفرهای قبلی السیسی به کاخ سفید، این مسئله را به‌وضوح نشان داده‌اند. این واقعیت، نه‌تنها از طریق کمک‌های مالی که آمریکا به رژیم مصر و ارتش آن پرداخت می‌کند و السیسی برای حفظ آن تلاش می‌کند، بلکه از طریق لحن صریح و اطمینان بخش ترامپ نیز کاملاً مشهود است. ترامپ با اطمینان کامل سخن می‌گوید که السیسی و پادشاه اردن طرح او را خواهند پذیرفت. این حقیقتی است که حتی اگر آن‌ها ادعا کنند با طرح کوچ اجباری مخالف‌اند، اما در عمل، به دنبال راه‌های دیپلماتیکی خواهند بود که اجرای این طرح را ممکن سازد. یا اینکه طرح جایگزینی در حال اجرا است که بر اساس آن؛ در ازای بقای ساکنان و بازسازی

منطقه، غزه به منطقه‌ای غیرنظامی بدون حماس، بدون مقاومت و بدون مجاهدین تبدیل شود، طرحی که حتی یهود نیز به‌سادگی آن را نخواهد پذیرفت.

طرح ترامپ برای کوچاندن مردم غزه به سینا و اردن، بخشی از یک استراتژی استعماری قدیمی است که هدف آن، تخلیه‌ی سرزمین مبارک فلسطین از ساکنانش و تثبیت رژیم یهود به‌عنوان یک دولت یهودی خالص است. این طرح احتمالا در چارچوب معامله‌ی قرن قرار می‌گیرد که هدف آن، پایان دادن کامل به قضیه فلسطین است.

ادعای اینکه مصر با طرح کوچاندن فلسطینیان مخالف است، با واقعیت همخوانی ندارد، زیرا رژیم مصر بطور مستقیم در خفه کردن اقتصادی و انسانی نوار غزه نقش دارد و زندگی در آنجا را تقریباً غیرممکن ساخته است تا حدی که مردم آن مجبور شوند برای خروج از این وضعیت، به هر راهی متوسل شوند. به این ترتیب، رژیم مصر عملا در حال اجرای همان طرح کوچ اجباری است که ادعا می‌کند با آن مخالف است.

اظهارات مقامات مصری درباره‌ی مخالفت با طرح ترامپ، چیزی جز یک تاکتیک برای خرید زمان و نمایش یک موضع بمظاهر ملی‌گرایانه‌ی دروغین نیست، در حالی که واقعیت نشان می‌دهد این رژیم، تنها در خدمت پروژه های غربی عمل می‌کند و آن‌ها را به‌عنوان برنامه‌هایی استراتژیک می‌پذیرد که باید اجرا شوند.

ما نیازی به بحث درباره‌ی این نداریم که آیا رئیس جمهور مصر به دیدار ترامپ می‌رود یا نه آیا طرح کوچاندن مردم غزه را می‌پذیرد یا نه و یا حتی اینکه آیا در حال اجرای طرح‌های دیگر ترامپ هست یا نه. در هر صورت، او یک مزدور آمریکا و خادم منافع آن است، او یک خائن به امت اسلامی و شریک جنایات رژیم غاصب یهود است.

او یک نگهبان وفادار برای مرزهای این رژیم است که بین امت و ارتش‌های آن از یک سو و بین نابودی این رژیم و آزادی فلسطین از سوی دیگر، سد ایجاد کرده است.

تمام این اظهارات دروغین و تکیه بر نظام بین‌المللی، تنها یک ابزار برای فریب ارتش‌های مسلمان است تا دچار این توهم شوند که رژیم مصر واقعاً در حال تلاش برای حل قضیه فلسطین است، در حالی که این رژیم، در حقیقت، بخشی جدایی‌ناپذیر از اشغالگری است و نقش سپر حفاظتی واقعی این رژیم را ایفا می‌کند، بلکه همان گنبد آهنین حقیقی است که از آن محافظت می‌کند.

راه‌حل واقعی نه در اظهارات پوچ و بی‌ارزش است و نه در تکیه بر نظام بین‌المللی، بلکه در به حرکت درآوردن ارتش‌ها برای آزادسازی کامل فلسطین، نصرت حقیقی مردم آن و از میان برداشتن هر مانعی است که در این مسیر قرار دارد. قدس را آن حکومت‌هایی آزاد نخواهند کرد که گذرگاه‌ها را می‌بندند، مرزهای خود را با سرزمین‌های غصب‌شده‌ی اسلام حفظ می‌کنند و از رساندن سلاح به نیروهای مقاومت جلوگیری می‌نمایند. حقوق آن نیز از طریق قوانین بین‌المللی که برای حمایت از اشغالگران تدوین شده‌اند، بازپس گرفته نخواهد شد، بلکه قدس، آن زمان آزاد خواهد شد که امت اسلامی به دین خود بازگردد، برای اجرای آن در یک دولت واحد تلاش کند و در پشت سر یک رهبری مخلص که عزت آن را بازگرداند و آزادی فلسطین را به‌عنوان یک قضیه سرنوشت ساز و غیرقابل معامله قرار دهد، متحد شود.

امت اسلامی بیش از ۱۳ میلیون سرباز دارد و از ثروت‌ها و توانایی‌های نظامی برخوردار است که می‌تواند با آن‌ها، رژیم یهود را در عرض چند روز نابود کند؛ اما مانع اصلی در برابر حرکت این ارتش‌ها، همان حکومت‌هایی هستند که دولت های استعماری پس از نابودی خلافت عثمانی بر سر کار آوردند و وظیفه‌ای جز حفاظت از منافع غرب و تضمین بقای رژیم یهود ندارند.

بنابراین، آزادسازی فلسطین تنها زمانی ممکن خواهد شد که ابتدا پایتخت‌های اسلامی از این رژیم‌های مزدور پاک سازی شوند و خلافت راشده‌ای برپا گردد که امت را دوباره متحد کند. آن زمان که مسلمانان تنها یک خلیفه داشته باشند، او ارتش‌ها را به حرکت درخواهد آورد، همان‌گونه که صلاح‌الدین ایوبی برای آزادسازی قدس قیام کرد و همان‌گونه که معتصم عباسی تنها با فریاد کمک یک زن، لشکری عظیم را برای یاری او به حرکت درآورد.

ای مخلصان در ارتش کنانه (مصر)، ماجراجویی‌های پوچ و نمایش‌های یهوده‌ی این رژیم، تلاش‌های شما را در اموری بیهوده هدر می‌دهد، اموری که نه در دنیا برایتان سودی خواهد داشت و نه در آخرت شما را نجات خواهد داد. بلکه این رژیم شما را از انجام وظیفه‌ی بزرگتان، یعنی آزادسازی سرزمین مبارک فلسطین و یاری مردم آن بازمی‌دارد و این مسئولیتی است که روز قیامت درباره‌ی آن در برابر خداوند مورد بازخواست قرار خواهید گرفت. پس پاسخی برای خداوند آماده کنید، یا این رژیم را از خود دور سازید، از آلودگی و خیانت آن بیزاری جویید و با صدای بلند اعلام کنید که دولتی می‌خواهید که اسلام را در شما اجرا کند و شما را برای حمل این پیام هدایت و نور به جهانیان برانگیزد. دولتی که شما را به‌سوی خشنودی خداوند متعال در دنیا و آخرت سوق دهد، شما را برای آزادسازی تمامی سرزمین‌های اسلامی، نه فقط فلسطین، فرا بخواند و به یاری مستضعفان بشتابد. دولت اسلام، دولتی که خداوند را راضی می‌کند؛ خلافت راشده‌ی دوم بر منهج نبوت. خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا».

دستگاه قضایی نظامی تونس و جلوگیری از حزب التحریر در بیان حق

در پایان هفته‌ی گذشته، دادگاه نظامی تونس پرونده‌ای جنایی را علیه محمد الناصر شویخهٔ، عضو دفتر رسانه‌ای حزب التحریر در تونس، به جریان انداخت. این اقدام به دلیل مقاله‌ای بود که او در روزنامه‌ی التحریر منتشر کرد و در آن، مسئولان تصمیم گیرنده و ارتش‌های کشورهای اسلامی را نسبت به مشارکت در رزمایش‌های نظامی دوره‌ای آمریکا که در تونس، کشورهای شمال آفریقا و مناطق مشرف به دریای مدیترانه برگزار می‌شود، هشدار داده بود، به‌ویژه با توجه به دشمنی آشکار آمریکا با مسلمانان، به‌طور عام و با مردم ما در غزه، به‌طور خاص.

بازداشت محمد الناصر شویخهٔ و زندانی شدن او در ارتباط با پرونده‌ای تحقیقاتی که در آن اتهاماتی با مجازات‌هایی تا حبس ابد علیه وی مطرح شده است، تنها بر اساس تفسیر مغرضانه‌ی برخی عبارات و جملات مقاله‌اش در جهت محکومیت او صورت گرفته است. این اقدام، نه‌تنها برخلاف روند سیاسی کشور و قوانین آن است، بلکه از جهات مختلفی غیرقانونی می‌باشد. تونس، طبق قانون اساسی، بخشی از امت اسلامی است و هر آسیبی که به امت برسد، تکتک مردم آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دادگاه نظامی صلاحیت محاکمه‌ی غیرنظامیان را ندارد، مگر آنکه فردی نظامی در میان آن‌ها باشد. بر اساس فرمان شماره‌ی ۸۷ که سازمان‌دهی احزاب سیاسی را تعیین می‌کند، تنها نخست‌وزیر مجاز به پیگرد قانونی احزاب سیاسی است. فرمان شماره‌ی ۱۱۵ که جایگزین قانون مطبوعات شد، روزنامه‌نگاران و نویسندگان مقالات منتشرشده در نشریات را از چنین پرونده‌هایی مصون می‌سازد.

بنابراین، ظلمی که بر مسلمانان تحمیل شده است، از سلب حقوق و ریختن خون آن‌ها تا غارت اموال و هتک حرمت‌شان و علاوه بر آن، خفه کردن صدای حق‌طلبان و ممانعت از آشکارسازی حقیقت، ظلمی بی‌حدوحصر است و چه بسا، ظلمی که از جانب نزدیکان بر انسان وارد می‌شود، دردناک‌تر و تلخ‌تر باشد. همچنین، امر به معروف و نهی از منکر، نه مرگ را نزدیک‌تر می‌کند و نه از روزی کسی می‌کاهد.

ساختار دولت در سوریه باید تنها بر پایه‌ی عقیده‌ی اسلامی بنا شود

استاد احمد معاز

اعتماد مردم شام به نصرت الهی بسیار عظیم بود، ازاین‌رو با شجاعت و استقامت، در مسیر انقلاب مبارک برای سرنگونی رژیم، علی‌رغم خطرات بزرگ، قدم برداشتند. با اینکه مردم شام به ارتباطات گسترده‌ی این رژیم سرنگون‌شده و ریشه‌های عمیق آن در داخل و خارج از سوریه آگاه بودند و علی‌رغم مداخلات منطقه‌ای و بین‌المللی که با تمام قوا در حمایت از رژیم و برای خفه کردن انقلاب و جلوگیری از پیروزی آن تلاش کردند، اما ایمان راسخ مردم شام در زیباترین شکل خود متجلی شد و خداوند، پایداری به آنان عطا کرد و آنان را، با وجود انبوه دشمنان، به پیروزی گرامی داشت.

هر عملی با یک فکر آغاز می‌شود و هر موقف نتیجه‌ی یک فکر است. آنچه سبب پایداری مردم شام شد، فکرهایی بود که از عقیده‌ی اسلامی سرچشمه گرفته بودند؛ اما درعین‌حال، افکار زیادی هنوز مسیر تغییر را مشوش می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها، فکر ناسیونالیسم است که در دل‌های مسلمانان رنگ باخته بود و دشمنان تلاش دارند از طریق رسانه‌های خود آن را دوباره زیبا و برجسته سازند؛ اما خطرناکتر از ناسیونالیسم، فکر نفرت‌انگیز دیگری است و آن، تلاش برای کسب رضایت نظام بین‌المللی و به رسمیت شناخته شدن دولت جدید سوریه از سوی آن است. این فکر از خطرناک‌ترین فکرهاست، زیرا بر اساس آن، رویاهای فریبنده‌ای از بازسازی و عمران ترسیم می‌شود، اما به قیمت اهداف انقلاب شام و عقیده‌ی مردم آن. هر کشوری که در جهان تشکیل می‌شود، باید مشروعیت خود را از مردمش بگیرد، زیرا آنان صاحبان اصلی حاکمیت هستند؛ بنابراین، تلاش برای کسب به رسمیت شناخته شدن از سوی جامعه‌ی بین‌المللی، امید مردم انقلابی را ناامید خواهد کرد، زیرا آنان می‌دانند که این امر تنها به ضرر آن‌ها و قربانی کردن فداکاری‌هایشان تمام خواهد شد. نباید فراموش کرد همین کشورهایی که امروز برای به رسمیت شناختن آن‌ها تلاش می‌شود، همان کشورهایی هستند که پیش‌تر در کنار رژیم سرنگون‌شده، علیه انقلاب جنگیدند. مردم شام، نیازی به این به رسمیت شناخته شدن ندارند، چراکه آنان برای برپایی دولتی که بر ویرانه‌های رژیم نابودشده بنا خواهد شد، خون‌های خود را نثار کرده‌اند و این دولت، حتی بدون تایید بین‌المللی، استوار خواهد ماند.

اما فکر باقی ماندن دولت در این وضعیت، بدون تعیین هدفی روشن، به امید فریب دادن دولت‌ها و جلب حمایت و تایید آن‌ها، در حقیقت چیزی جز فریب مردم انقلابی و نابود کردن فداکاری‌هایی که برای سرنگونی رژیم و برپایی نظام اسلامی انجام شده، نیست.

با گذشت بیش از دو ماه از سقوط طاغوت، شیوه‌ی مدیریت این مرحله همچنان با ابهامات و تردیدهای زیادی همراه است. در مصاحبه‌ای با مجله‌ی کونومیست، احمد الشرع، رئیس دوره‌ی انتقالی، اظهار داشت: اگر کارشناسان، شریعت را تایید کنند، وظیفه‌ی من اجرای آن است و اگر آن را تایید نکنند، وظیفه‌ی من اجرای تصمیم آنان است. این اظهارنظر، تصویری واضح از آینده ارائه می‌دهد. خدای متعال اجرای اسلام را بر ما واجب کرده است و این امر در انتظار تایید یک کمیته یا هر شخص دیگری، با هر عنوانی که باشد، نخواهد ماند. حاکمیت باید تنها متعلق به شریعت الهی باشد خداوند متعال می‌فرماید «أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَم مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ». ادعای اینکه ساختن دولت نیازمند دور زدن شریعت الهی است، ادعایی است که خود خداوند آن را باطل ساخته است. چراکه بنای دولت باید بر اساس تقوای الهی و رضایت او باشد، نه بر اساس خواسته‌های درندگان نظام بین‌المللی. این همان نظام بین‌المللی است که در سرکوب انقلاب شکست خورد و در مواجهه با دولتی که بر پایه‌ی تقوای الهی بنا شده باشد، ناتوان‌تر خواهد بود. این، همان امتی است که با تمام توان خود در پی کسب رضایت خداوند است و اجرای شریعت او را زنده‌ترین نمونه‌ی بندگی به پروردگار یکتا می‌داند و برای زندگی در سایه‌ی حکومت او و رسیدن به آزادی کامل که جز با برپایی حکومت اسلامی عادلانه در تمامی عرصه‌های زندگی تحقق نخواهد یافت، فداکاری‌های عظیمی انجام می‌دهد؛ اما پذیرش واقعیت موجود، مرزهای مصنوعی، تعهد به قوانین ظالمانه‌ی نظام بین‌المللی و تثبیت وابستگی به آن برای کسب مشروعیت، چیزی جز همان بنایی است که خداوند آن را «أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ» توصیف کرده است. از خداوند می‌خواهیم که رهبران این مرحله، پیروانشان، مجاهدان و صادقان را از عواقب این انتخاب که تنها گریبان آن‌ها را نخواهد گرفت، بلکه پیامدهای آن، کل مسلمانان سوریه و حتی امت اسلامی را در سراسر جهان تحت تاثیر قرار خواهد داد، نجات دهد.

اما ایده‌ی اینکه ما ضعیف هستیم و توانایی نداریم، از اساس و از نظر شرعی، باطل است. انقلابی که به‌خاطر وابستگی‌های خارجی متعددی که رهبران گروه‌های آن داشتند، دچار تفرقه شد، سرانجام پیروز گردید و این، خود دلیلی است که ثابت می‌کند این انقلاب ضعیف نبود، بلکه ذخیره‌ی ایمانی و اعتقادی آن که باور داشت پیروزی از جانب خداوند است، عامل پایداری آن شد تا اینکه خداوند، پیروزی را نصیبش گردانید. در مقابل، نگریستن به مشکلات و تهدیدات بدون توجه به ایمان به خدا، چیزی جز تسلیم‌شدن نیست و این خود به ضعف منجر می‌شود و مسئولان را به وابستگی از دشمنانی وامی دارد که خودشان در ضعیف‌ترین وضعیت خود، از زمان به دست گرفتن رهبری جهان، به سر می‌برند و این امر برای هر صاحب بصیرت و بینشی کاملاً آشکار است.

اتخاذ مواضع اصولی، پایبندی به افکار اسلامی، پاکسازی آن‌ها از انحرافات و برجسته‌سازی قدرت اسلام در حل مشکلات و چالش‌های پیش روی مسلمانان، یک واجب شرعی و فرض است تا مبادا امت اسلامی به وهن، دنیاپرستی و دلبستگی به قدرت، به بهای کنار گذاشتن عقیده و احکام الهی، دچار شود؛ زیرا چنین چیزی، زیان آشکار خواهد بود. مردم شام که با تمام توان خود قیام کردند، تمام امکاناتشان را به میدان آوردند، دارایی هایشان را صرف کردند و عزیزترین فرزندان خود را فدا کردند تا رژیم سرنگون‌شده را از بین ببرند و حکومت اسلام را برپا سازند، هرگز در این مسیر سستی نخواهند کرد، زیرا هر اقدامی که هدف آن کسب رضایت مردم باشد، در نهایت، به قیمت خشنودی خداوند تمام خواهد شد و خشنودی خداوند همان چیزی است که شهدا، خون خود را برای آن نثار کردند تا راه را برای برپایی حکومت الهی هموار کنند و سوریه را به نقطه‌ی آغاز آزادی حقیقی و شکستن زنجیرهای استعمار و وابستگی و احیای مجدد عزت امت تبدیل کنند نه بر هیچ اساس دیگری و اگر نظام‌ها، قوانین و احکام، از شریعت اسلامی سرچشمه نگیرند و قانون اساسی در بنیاد و اساس خود از عقیده‌ی اسلامی نشات نگیرد، شکاف‌ها عمیق‌تر خواهند شد و مشکلات افزایش خواهند یافت.

نگرانی ما نسبت به فداکاری‌های مردم شام، انقلابیون آزاد و مجاهدان شجاع آن، ما را وادار می‌کند که تلاش خود را برای تکمیل روند تغییر و تحقق کامل اهداف انقلاب مبارک ادامه دهیم. هدف سرنگونی طاغوت محقق شد، اما هنوز اهداف دیگری باقی مانده‌اند که در راس آن‌ها، رهایی از وابستگی به کشورهای کافر استعمارگر است. پس از آنکه خداوند پیروزی را نصیب ما کرد، درهای سرزمین‌ها را به روی ما گشود و حکومت آن‌ها را به ما به ارث سپرد، اکنون می‌نگرد که چه خواهیم کرد و میزان پایبندی ما به پیمان‌های بزرگی را که در پیشگاه او بر خود واجب کردیم، مورد آزمون قرار می‌دهد. اگر ما از آگاهی و مسئولیت‌پذیری کافی برخوردار باشیم، از جانب خداوند متعال، چیزی فراتر از تصور عقل، از پیروزی، قدرت، عزت و کرامت خواهیم دید؛ اما اگر چنین نباشد، روزهای سختی در پیش خواهیم داشت که خودمان آن‌ها را رقم خواهیم زد و خود را به دست خود دچار شکست خواهیم کرد و در آخرت، با حسابی سخت روبه‌رو خواهیم شد.

پس بر ما واجب است که به ریسمان خداوند چنگ زنیم و هرچه جز آن را کنار بگذاریم. خداوند متعال می فرماید «إِن يَنصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِن يَخْذُلْكُمْ فَمَن ذَا الَّذِي يَنصُرُكُم مِّن بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ». این امت، به پیروزی وعده داده شده است، چه با ما، چه بدون ما. پیروزی حقیقی، همان اجرای اسلام در سایه‌ی دولت خلافت است و خداوند این پیروزی را تنها به کسی عطا می‌کند که در ایمان به او صادق باشد و از قوانین فریبکارانه‌ی غرب و حیله‌های آن بیزاری جوید. شام، همان‌گونه که پیامبر محبوبمان صلی‌اللهعلیه‌وسلم توصیف فرمود، همواره پایگاه اصلی اسلام خواهد بود و با پایان یافتن دوران حکومت جبری و طلوع فجر خلافت راشده، زمین را از عدل و داد آکنده خواهد ساخت، پس از آنکه اوباش و ظالمان آن را از ستم و بی‌عدالتی پر کرده اند و بی‌تردید، ما می‌بینیم که وعده‌ی خداوند به بندگانش نزدیک شده است.

ترامپ و فروپاشی نظام جهانی غرب و سقوط نقاب نیکوکاری

بیانیه‌ی مطبوعاتی صادر شده از سوی دفتر رسانه‌ای حزب التحریر در استرالیا اعلام کرد: نظام جهانی غرب که پس از جنگ جهانی دوم بر اساس جهانی‌سازی، قوانین بین‌المللی و ترویج سکولاریسم و دموکراسی بنا شد، اکنون در برابر چشمان ما در حال فروپاشی است. اصولی که برای تحمیل سلطه‌ی غرب مورد استفاده قرار می‌گرفتند، اکنون کنار گذاشته شده‌اند، چراکه اثبات شده است که این اصول نه‌تنها غیرقابل اجرا هستند، بلکه در برابر رقابت جهانی فزاینده، نتایجی معکوس به همراه داشته‌اند. ایالات متحده‌ی آمریکا، با ناامیدی، تلاش می‌کند تا پیش از آنکه دوران تک‌قطبی‌اش به‌طور کامل فرو بپاشد، خود را از این سقوط تمدنی نجات دهد.

بیانیه در ادامه افزود: با این تغییرات، نقاب فریبکارانه‌ی نیکوکاری غرب فرو افتاده است. دیگر کشورها حتی تظاهر به پایبندی به ارزش‌هایی که غرب بر دیگران تحمیل می‌کرد، نمی‌کنند. نظام بین‌المللی نیز دیگر چیزی جز ابزاری برای سلطه‌ی غرب نیست ابزاری که غرب هرگاه منافعش را تامین نکند، آن را کنار می‌گذارد. آنچه اکنون باقی مانده، جهانی است که در آن کشورها آشکارا و بدون پرده‌پوشی، صرفاً برای کسب قدرت عمل می‌کنند، بدون آنکه شعارهای رایج درباره‌ی قوانین بین‌المللی، حقوق بشر یا صلح منطقه‌ای را سر دهند.

دونالد ترامپ نیز از این قاعده مستثنا نیست، بلکه بازتابی از خود غرب است. او تنها با صدای بلند آنچه را که رهبران پیشین غرب در سکوت انجام می‌دادند، بیان می‌کند. سخنان و سیاست‌های او از جمله نفرت‌پراکنی آشکار علیه بیگانگان، اشغال اراضی، نسل‌کشی و کوچ اجباری یک انحراف از تمدن غرب نیست بلکه محصول طبیعی آن است. ترامپ نماینده‌ی سیستمی است که بسیاری از مردم در آن، از ریاکاری سیاسی که برای پنهان کردن چهره‌ی زشت غرب مورد نیاز است، خسته شده‌اند.

بیانیه‌ی مطبوعاتی در پایان تاکید کرد: اکنون، جهان، غرب را آن‌گونه که هست، می‌بیند؛ خشونت‌طلب، دوخوده و از نظر اخلاقی ورشکسته. با فروپاشی نظام غربی، بشریت باید از اصول شکست‌خورده‌ی غرب فراتر رود و به سوی اسلام روی آورد که یگانه نظامی است که بر پایه‌ی استثمار، ریاکاری و ظلم بنا نشده، بلکه دارای بینشی درست و پایدار برای آینده است.

ادامه : ترامپ و نوکرت، نتانیاهو! چشم‌هایتان کور شده است و فریبکار...

الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُوا يَعْتَدُونَ». آنان با نافرمانی از پیامبران خدا، ریسمان الهی را پاره کردند و برایشان جز ریسمان مردم باقی نمانده است و آن نیز بی‌تردید به اراده خداوند در موعدی که تخلفی در آن نیست، به دست سپاهیان اسلام که امامشان آنان را رهبری می‌کند، قطع خواهد شد و آنان از پشت سر او می‌جنگند و به او پناه می‌برند؛ مسلم در صحیح خود از اعرج از ابوهریره از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود: «امام سپری است که از پشت سر او جنگیده می‌شود و به او پناه می‌برند».

ای مسلمانان؛ ترامپ و نوکرش نتانیاهو، تاریخ ملت‌های خود و خواری‌شان نزد مردم را فراموش کرده‌اند و همچنین ذلت خود را در برابر عظمت اسلام، زمانی که خلافت اسلامی برپا بود، از یاد برده‌اند. در آن زمان، اجداد ترامپ و نتانیاهو حتی جرأت نمی‌کردند که زبان به خرید ذره‌ای از سرزمین اسلام بگشایند، چه برسد به غزه هاشم، بلکه وقتی نام ذره‌ای، بلکه وجبی از سرزمین اسلام و مسلمانان به میان می‌آمد، سرهایشان را پایین می‌انداختند.

آری، آنان می‌بینند که مسلمانان اکنون بیش از صد سال است که بدون خلافت به سر می‌برند و سرزمین‌های اسلامی را تکه‌تکه شده می‌بینند و می‌بینند که حکامشان دست نشانده‌های آنان و افراد ناتوان‌اند. پس ترامپ با گستاخی اعلام می‌کند که قصد دارد ساکنان غزه را کوچ داده و آن را خریداری و مالک آن شود و در این میان، حکام سرزمین‌های اسلامی، هیچ لشکری برای آزادسازی غزه و سیلی زدن به صورت ترامپ و نوکرش به حرکت درنمی‌آورند! بلکه او مستقیماً در برابرشان اعلام می‌کند که آنان به کوچ دادن فلسطینیان و به تمام آنچه که او بخواهد، رضایت خواهند داد؛ هنگامی که از او پرسیده می‌شود که چرا پس این حاکمان با صدای بلند اعلام می‌کنند که با تغییرات موافق نیستند، پاسخ می‌دهد: «آن‌ها موافقت خواهند کرد و منتظر دیدار با من هستند». او این را آشکارا می‌گوید و با این حال آنان را به دیدار خود فرا می‌خواند و آن‌ها نه خجالت می‌کشند و نه شرم دارند!

ای مسلمانان... خلافت بازخواهد گشت و حکومت این مزدوران را در سرزمین‌های اسلامی پایان خواهد داد. این امر به اذن خداوند قطعی است، زیرا خداوند متعال وعده داده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ». همچنین، پیامبر خدا ﷺ نیز از بازگشت خلافت پس از این دوران حکومت جبری که در آن زندگی می‌کنیم، خبر داده است. احمد از حذیفه روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: «سپس حکومت جبری خواهد بود و تا زمانی که خداوند بخواهد، ادامه خواهد داشت، سپس خداوند آن را از بین خواهد برد، آنگاه خلافتی بر اساس روش پیامبری برپا خواهد شد، سپس سکوت کرد».

اما همان‌طور که بارها گفته‌ایم و اهل خرد نیز آن را درک می کنند، سنت الهی اینگونه نیست که فرشتگانی از آسمان بر ما نازل شوند و برایمان خلافت را برپا کنند و دشمنانمان را شکست دهند، درحالی‌که ما بی‌تفاوت نشسته‌ایم. بلکه خداوند فرشتگانش را به عنوان نصرت و بشارت برای بندگانی که به او ایمان آورده‌اند و عهدایشان افزون شده است، فرو می‌فرستد، سپاهیانی از مسلمانان، صبور در میدان نبرد که سپس خداوند عزیز و حکیم آنان را پیروز می‌گرداند. آن هنگام است که ما از کسانی خواهیم بود که مژده‌ی الهی شامل حالشان شده است: «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ».

سپاس خداوند را که نشانه‌های بازگشت خلافت به روشنی خبر از نزدیکی آن می‌دهند. امت اسلامی، امتی زنده و پویاست که به‌سوی عمل برای برپایی خلافت و حمایت از این هدف گام برمی‌دارد تا وعده خداوند محقق شود و پس از آن، برای پاسداری از خلافت و حمایت از آن همدل و یکپارچه گردد.

چراکه این امت، به سرعت به مسیر اصلی خود بازمی‌گردد، همان مسیری که خداوند برایش مقرر کرده است. خداوند متعال می‌فرماید: «كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ».

در میان امت، حزبی است که خالصانه برای خداوند سبحان کار می‌کند، با پیامبرش صلی‌اللهعلیه‌وآله‌وسلم صادق است، با گام‌های استوار حرکت می‌کند و شب و روز تلاش می‌کند تا وعده‌ی خداوند و بشارت پیامبرش به دست او محقق شود. او از سرزنش هیچ سرزنشگری در راه خدا نمی‌هراسد، عزمش هرگز سست نمی‌شود و اراده‌اش هرگز تضعیف نمی‌گردد، به اذن خدا تا زمانی که فرمان الهی فرا رسد، بر همین حال می ماند. گویی این حزب مصداق فرموده‌ی پیامبر خدا صلی‌الله علیه‌وسلم در حدیثی است که مسلم از ثوبان نقل کرده است: «یک گروه از امت من همواره بر حق پایدار خواهند بود؛ کسی که آنان را ترک کند، به آنان ضرر نخواهد رساند تا زمانی که فرمان خداوند به وقوع بپیوندد و آنان همچنان اینگونه باقی خواهند ماند...».

و چنین است که خلافت، به اذن خداوند، به دست فرزندان امت بازخواهد گشت، پس از این حکومت جبری که در آن زندگی می‌کنیم و سپس دولت یهود نابود خواهد شد و فلسطین بار دیگر به طور کامل دارالسلام خواهد شد. مسلم در صحیح خود از ابوهریره روایت کرده که پیامبر خدا ﷺ فرمود: «قیامت برپا نخواهد شد تا آنکه مسلمانان با یهود بجنگند و مسلمانان آنان را خواهند کشت...». بلکه حتی روم نیز به دست مسلمانان فتح خواهد شد، همان‌گونه که قسطنطنیه فتح شد. احمد در مسند خود از عبدالله بن عمرو بن عاص روایت کرده است که گفت: «در حالی که اطراف رسول خدا ﷺ نشسته بودیم و می‌نوشتیم، از او پرسیده شد: کدام‌یک از دو شهر نخست فتح خواهد شد، قسطنطنیه یا روم؟ پس رسول خدا ﷺ فرمود: شهر هرقل نخست فتح خواهد شد، یعنی قسطنطنیه».

ای مسلمانان! این، یکی از بزرگ‌ترین مصیبت‌هاست که کشورهای سرزمین‌های اسلامی، مانند دستبندی که مچ را در بر می‌گیرد، پیرامون رژیم یهود حلقه زده‌اند، اما با این وجود، هیچ ارتشی را برای جنگ با آنان و پاکسازی سرزمین مبارک از پلیدی‌شان به حرکت درنمی‌آورند. این، یکی از بزرگ‌ترین مصیبت‌هاست که ترامپ آشکارا از کوچاندن مردم غزه سخن بگوید، بی‌آنکه اعتنایی به حاکمان کشورهای مسلمان اطراف غزه داشته باشد. هنگامی که از او پرسیده می شود که این حاکمان عرب و حتی مسلمانان می‌گویند که با کوچاندن مردم غزه مخالف‌اند، پاسخ می‌دهد که آنان دیر یا زود خواهند پذیرفت! او آنان را به خجالت می‌اندازد، اما آنان شرم نمی‌کنند. این، یکی از بزرگ‌ترین مصیبت‌هاست که حتی جرأت نمی‌کنند آمریکا را تحریم کنند یا دست‌کم از دیدار با ترامپی که با اظهاراتش آنان را رسوا کرده است، خودداری کنند! با این حال، نه‌تنها از این همه خواری درس نمی‌گیرند، بلکه به او تبریک می‌گویند و هنگامی که آنان را دعوت کند، با شتاب به دیدارش می‌روند و همچون بردگان مزدور به سخنانش گوش می‌دهند!

این، یکی از بزرگ‌ترین مصیبت‌هاست که ارتش‌های مسلمانان همچنان بی‌حرکت مانده‌اند، در حالی که جنایات وحشیانه یهودیان را می‌بینند که چگونه انسان‌ها، درختان و سنگ‌ها را نابود کرده‌اند و با این خیال که اطاعت از حاکمانشان در سر باز زدن از جنگ با یهود، آنان را نجات خواهد داد، سکوت کرده‌اند؛ اما نه «يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ» و آنگاه پشیمان خواهند شد، اما چه سود که دیگر زمان پشیمانی گذشته است! «إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ».

چهاردهم شعبان ۱۴۴۶ هجری

۱۳ فوریه ۲۰۲۵ میلادی

ادامه :پوشش فعالیت‌های جهانی حزب التحریر...

سخنرانی پایانی را مدیر دفتر رسانه‌ای مرکزی به عنوان «در آستانه برپایی خلافت راشده‌ی دوم بر منهج روش نبوت» ارائه کرد. وی در سخنانش گفت: چه سالی بود که گذشت! در طی آن، سرزمین شام با دو طوفان عظیم مواجه شد که همچون اسبی سرکش، از توقف در هر مرزی سر باز می‌زدند؛ اما امت اسلامی، به خواست خدا، مهار آن‌ها را در دست گرفت و آن‌ها را به جایی فراتر از تصورات صاحبانشان سوق داد.

وی همچنین تصاویر و پیام‌هایی منتشر کرد که برای برانگیختن همت‌ها و فراخواندن اهل قدرت و توانایی بود. او در یکی از این پیام‌ها گفت: بر شما واجب است که خود را برای دفع خطرات داخلی و خارجی از مسلمانان و سرزمین‌هایشان آماده کنید. لازم است که برنامه‌ریزی‌های داخلی و خارجی دقیقی برای مقابله با تهدیدات و آمادگی برای جنگ، در صورت لزوم، انجام دهید. شما باید وضعیت داخلی کشورها و شرایط خارجی را به‌خوبی درک کنید تا بتوانید همه‌ی خطرات را از سرزمین‌ها و مردم دور نگه دارید.

در سرزمین مبارک (فلسطین): بخش زنان حزب التحریر مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها را با موضوعات مختلف ارائه کرد. همچنین سخنرانی‌هایی در مناطق مختلف برگزار شد، درس‌هایی در مساجد ارائه گردید و خطبه‌های نماز جمعه به این مناسبت ایراد شد.

در اردن؛ دفتر رسانه‌ای حزب التحریر در ولایت اردن یک بیانیه‌ی مطبوعاتی منتشر کرد که عنوان آن چنین بود: سالگرد سقوط خلافت، زمانی برای گریه و زاری نیست، بلکه یادآوری‌ای است برای تلاش جدی در جهت برپایی آن.

در کنیا؛ در چارچوب صد و چهارمین سالگرد سقوط خلافت، حزب التحریر کنیا در ماه رجب ۱۴۴۶ هجری یک کمپین مردمی برگزار کرد. این کمپین که از ابتدای ماه آغاز شد، شامل فعالیت‌های گسترده‌ای بود، از جمله سخنرانی‌های عمومی، سمینارها و تجمعات اعتراضی.

در لبنان؛ حزب التحریر - ولایت لبنان در طرابلس شام کنفرانسی را تحت عنوان «تحولات سرزمین شام... دغدغه‌ها و بشارت‌ها!» برگزار کرد. این کنفرانس حول چند محور اصلی بود: نگاهی سیاسی به تحولات منطقه توسط مهندس صلاح‌الدین عضاضه، دوران پس از سقوط طاغوت‌ها توسط استاد ناصر شیخ عبدالحی عضو دفتر رسانه‌ای حزب التحریر در ولایت سوریه، چالش‌های موجود در برابر دولت‌های نوظهور توسط دکتر احمد القصص عضو دفتر رسانه‌ای مرکزی حزب التحریر، تحولات و نقش ترکیه در منطقه توسط استاد عبدالله امام اوغلو رئیس کمیته ارتباطات مرکزی حزب التحریر در ولایت ترکیه، ماه رجب، امت اسلامی و تلاشگران برای رهایی آن توسط استاد احمد الصوفی عضو حزب التحریر و بیانیه پایانی کنفرانس توسط دکتر محمد ابراهیم رئیس دفتر رسانه‌ای حزب التحریر در ولایت لبنان.

در کانادا: تحت عنوان «رفع موانع در مسیر برپایی دولت خلافت» قرار بود کنفرانس سالانه خلافت در تاریخ ۱۸ ژانویه در شهر میسیساگا، واقع در نزدیکی تورنتو، کانادا برگزار شود؛ اما دولت کانادا با همکاری آمریکا یک کمپین رسانه‌ای و تبلیغاتی گسترده‌ای را برای جلوگیری از برگزاری این کنفرانس به راه انداخت و تلاش کرد تا برگزارکنندگان آن را از تصمیم خود منصرف کند.

در پاکستان؛ دفتر رسانه‌ای حزب التحریر ولایت پاکستان یک سری ویدیویی جدید با عنوان «یک امت... یک خلافت» تولید کرد.

در سودان: حزب التحریر ولایت سودان در سالگرد سقوط خلافت نشست دوره‌ای خود، موسوم به «نشست مسائل امت» را برگزار کرد. این نشست با عنوان «خلافت، پروژه امت برای تغییر، بلکه تاج واجبات است» برگزار شد. همچنین، به مناسبت این سالگرد درندناک، مجموعه‌ای از سخنرانی‌های تصویری منتشر شد.

اعضای دفتر مطبوعات مرکزی، از برادران و خواهران، مقالات و تحلیل‌های خبری بسیاری را در صفحات رسمی دفتر رسانه‌ای و روزنامه الرایه منتشر کردند. این مقالات، امت را به یاد این مصیبت بزرگ انداختند، آنان را به اقدام در راه بازگرداندن خلافت دعوت کردند و بر حرمت سر باز زدن از این واجب بزرگ تأکید کردند.

بسیاری از روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها، اخبار مرتبط با این کمپین را پوشش دادند، به‌ویژه لغو کنفرانسی که قرار بود در کانادا برگزار شود.

پیام پایانی: حزب التحریر به کسانی که در برابر طوفان عظیم خلافت ایستاده‌اند، هشدار می‌دهد و به آنان می گوید: اگر برای آخرت حسابی باز نکرده‌اید و از آتشی که نوشیدنی ساکنانش، همانند فلز گداخته، صورت‌ها را می سوزاند، هراسی ندارید، پس بدانید که هرکس از میان شما با خلافت دشمنی ورزد و در برابر آن بایستد، در همین دنیا، از سوی خلافت مورد محاسبه قرار خواهد گرفت و در آن روز، پناهی برای خود نخواهد یافت، حتی اگر فاصله‌اش با خلافت به‌اندازه‌ی فاصله‌ی دو مشرق باشد! آیا نمی اندیشید؟!

ای غزه‌ی عزت و افتخار... تاریخ به یاد خواهد داشت

استاد ناصر شیخ عبد الحی

در ارتباط با توافق آتش‌بس در غزه:

- تاریخ به یاد خواهد داشت که درس‌های «طوفان» رساتر و قدرتمندتر از استبداد و سرکشی ظالمان بود.
- تاریخ به یاد خواهد داشت پایداری اسطوره‌ای گروهی صبور و مقاوم که به پروردگارشان ایمان آوردند و بر او توکل کردند و از حکومت‌ها، حاکمان، نظام بین‌المللی و سازمان‌های خیانتکار آن بیزاری جستند و پوزه تنانیاهو، رژیم او و سربازانش را، با وجود کمبود تجهیزات و امکانات، به خاک مالیدند.
- تاریخ به یاد خواهد داشت که تنها یک گردان از امت اسلام، در منطقه‌ای کوچک و محاصره‌شده، ارتشی را که با انواع سلاح‌ها مجهز بود و آمریکا، غرب و تمامی کفار زمین از آن حمایت کردند، به زانو درآورد. پس چگونه خواهد بود زمانی که ارتش‌های امت، تحت فرمان یک امام واحد، به حرکت درآیند؟!
- تاریخ به یاد خواهد داشت که چگونه اهل نبرد و حماسه ثابت کردند، هنگامی که ایمان در جان فرزندان امت مستحکم گردد، رهایی از سلطه‌ی غرب و مزدورانش از چشم بر هم زدنی هم نزدیکتر خواهد شد و هیچ قدرتی، هرچند بزرگ، توان رویارویی با آنان یا درهم شکستن اراده‌ی آنان را نخواهد داشت.
- تاریخ به یاد خواهد داشت که چگونه مردان غزه، با وجود محاصره و کم‌شمار بودن، عظمت قدرت معنوی‌ای را که مسلمانان دارند، به اثبات رساندند قدرتی که هنگامی که مفاهیم عقیده و جهاد در جان‌های آنان ریشه دواند، از آنان شیران میدان نبرد و سربازانی شکست‌ناپذیر ساخت که هیچ مانعی سد راهشان نمی‌شود و هیچ‌گاه در انجام این ماموریت بزرگ، سستی به خود راه نمی‌دهند.
- تاریخ به یاد خواهد داشت کسانی را که توانایی‌هایشان را شکوفا کردند و ما را به یاد قهرمانی‌های فاتحان صدر اسلام انداختند، آن هم در میان محاصره و زیر باران آتش، با وجود خیانت تلخ و آشکار و همدستی نزدیکان، پیش از دشمنان دور.
- تاریخ به یاد خواهد داشت که عملیات «طوفان» سطح آگاهی امت را تا بالاترین درجات، نسبت به راهحل ریشه‌ای و نسبت به اینکه چه کسانی در صف امت ایستاده‌اند و چه کسانی در صف دشمنان آن هستند، ارتقا داد.
- تاریخ به یاد خواهد داشت که غرش شیران زخمی، حقیقتاً ثابت کرد که رژیم یهود همان ببر کاغذی است که تنها با غرور و تکبر، خود را همچون شیری درنده نشان می دهد، اما روز نابودی‌اش فرا رسیده، نفسش به شماره افتاده و بندهای حیاتش در حال پاره شدن است.
- تاریخ به یاد خواهد داشت خاطرات «روح‌الروح» در سرزمینی پاک و مبارک که اکنون زمان آن رسیده است که از آلودگی غاصبان پاک گردد.
- تاریخ به یاد خواهد داشت حاکمان خائنی را که ارتش های امت را از یاری برادرانشان و حمایت از مقدساتشان بازداشتند و مرزها و قفس‌های «ملی» را که استعمارگر کافر با دستان خود ساخته بود، تثبیت کردند، با این خیال که بتوانند طوفان آینده‌ی امت را مهار کنند، طوفانی که تخت‌ها را سرنگون خواهد کرد، زنجیرها را خواهد شکست و مرزها را خواهد گشود.
- تاریخ به یاد خواهد داشت که بذرهای طوفان، خون‌های قهرمانان و ستارگانی که ما را ترک کردند و به سوی پروردگار یکتا شتافتند، پس از آنکه ضعف رژیم یهود را آشکار ساختند، پیروزی بزرگی را خواهند روياند، پیروزی که کاخ‌های ستم را ویران خواهد کرد و تمامی مسلمانان را زیر یک پرچم و تحت فرمان یک امام متحد خواهد ساخت، امامی که به هرکه به مسلمانان آسیب برساند، چنین خواهد گفت: ای دشمن خدا، پاسخت را نه با سخن، بلکه با آنچه در عمل خواهی دید، دریافت خواهی کرد!
- تاریخ به یاد خواهد داشت که آتشی که در سینه‌های مخلصان امت، از اهل قدرت و توانایی، شعله‌ور شده است، به خاطر آنکه حاکمانشان آنان را از انجام وظیفه‌ی خود بازمی دارند، سرانجام به یک سمت و سوی مشخص سوق داده خواهد شد؛ به سوی راه‌حلی ریشه‌ای و تغییری واقعی که خداوند، با آن، دل‌های قومی مؤمن را شفا خواهد داد.

رحمت خدا بر شهدای پاک و گرانقدر ما باد و آرامش، امنیت و وقار را بر خانواده‌های ما در غزه و سراسر فلسطین نازل گرداند. خدایا پناه ده بی‌خانمانانشان را، ایمن ساز ترسیدگانشان را، سیر گردان گرسنگانشان را و شفا بخش زخمیانشان را. خدایا، خون‌های ریخته‌شده و دردهایشان را سرچشمه‌ی امیدی برای آنان و برای همه‌ی ما قرار ده، امیدی برای فردایی روشن که در آن، خورشید اسلام در سایه‌ی حکومت اسلامی و دولت خلافت طلوع خواهد کرد دولتی که اسلام و اهل آن را عزیز خواهد گرداند، عدالت و امنیت را در سراسر جهان گسترش خواهد داد و مجرمان را از وسوسه‌های شیطان به فراموشی خواهد سپرد و از خداوند می‌خواهیم که این روز نزدیک باشد. پیامبر ﷺ فرمودند: «بی گمان خداوند زمین را برای من در هم پیچید، پس من مشرق‌ها و مغرب‌های آن را دیدم و بی‌شک قلمرو امت من به همان اندازه که برای من نمایان شد، خواهد رسید».

برهان (فرمانده ارتش) در تلاش برای بازتولید همان نظام سکولار پیشین

در سخنرانی که عبدالفتاح البرهان، رئیس شورای حاکمیت و فرمانده ارتش سودان، روز یکشنبه ۹ فوریه ۲۰۲۵ ایراد کرد، چنین گفت: دوره‌ی آینده شاهد تشکیل دولتی برای تکمیل روند انتقالی خواهد بود که می‌توان آن را دولت موقت یا دولت اداره‌ی امور نامید. پس از تصویب سند قانون اساسی، دولت تشکیل شده و نخست‌وزیر منصوب خواهد شد تا بدون هیچ مداخله‌ای، وظایف خود را در مدیریت دستگاه اجرایی کشور انجام دهد.

در پی این اظهارات، ابراهیم عثمان (ابوخلیل)، سخنگوی رسمی حزب التحریر در ولایت سودان، در بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد: کاملاً آشکار است که البرهان تلاش می‌کند همان نظام سکولار پیشین را، اما با چهره‌هایی جدید، بازتولید کند؛ همان سیستمی که ریشه‌ی این جنگ ویرانگر بوده، جنگی که زندگی و ثروت مردم را نابود کرده است. او و نیروهای سیاسی که از او حمایت می‌کنند، هیچ درسی از این فاجعه نگرفته‌اند و همان عوامل اصلی جنگ را بازتولید می‌کنند، در حالی که از اجرای شریعت الهی سر باز می‌زنند، به ظالمان تکیه می‌کنند و نظام های تحمیلی غرب کافر و استعمارگر را اجرا می‌نمایند.

استاد ابوخلیل در ادامه افزود: ما در حزب التحریر ولایت سودان، از باب نصیحت و اتمام حجت در برابر خداوند، به‌طور خاص خطاب به البرهان و به‌طور عام خطاب به همه‌ی نیروهای سیاسی و مسلمانان، ارائه می‌دهیم: پروژه ی قانون اساسی دولت خلافت را که بر پایه‌ی وحی بنا شده است بر اساس کتاب خدا، سنت پیامبر ﷺ و آنچه از اجماع صحابه و قیاس شرعی استنتاج شده است. اولین ماده‌ی این قانون اساسی چنین می‌گوید: عقیده‌ی اسلامی، پایه و اساس دولت است، به‌گونه‌ای که هیچ‌چیز در ساختار آن، نهادهایش، نظام حسابرسی آن، یا هر آنچه به آن مربوط است، نمی‌تواند وجود داشته باشد، مگر آنکه بر اساس عقیده‌ی اسلامی باشد. این عقیده، هم‌زمان، پایه ی قانون اساسی و قوانین شرعی دولت است، به‌گونه‌ای که هیچ‌چیز در ارتباط با آن‌ها مجاز نخواهد بود، مگر اینکه از عقیده‌ی اسلامی سرچشمه گرفته باشد.

ابوخلیل بیانیه‌ی خود را با این سخنان به پایان رساند: به‌جای سند قانون اساسی که تابع امیال و هوس‌های افراد است، ما قانونی را پیشنهاد می‌کنیم که منبع آن وحی الهی، از سوی خدایی حکیم و آگاه است. این قانون اساسی، نظام حکومت و اداره‌ی کشور را به‌گونه‌ای مشخص می‌کند که پیامبر ﷺ آن را تعیین و اجرا کرد و خلفای راشدین که پیامبر ﷺ ما را به پیروی از سنت آن‌ها توصیه کرد، آن را ادامه دادند. چنان‌که فرمود: هر کس از شما که پس از من زنده بماند، اختلافات زیادی خواهد دید، پس بر شما واجب است که به سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت‌یافته چنگ زنید و با دندان‌های خود (با تمام توان) آن را نگه دارید. در این، حیات امت است و در غیر آن، نابودی آن.

ای مسلمانان، این جهان نگون‌بخت و سرگردان، جز شما کسی را ندارد تا آن را از گمراهی و سردرگمی‌اش نجات دهد

سردرگمی غرب در تعیین ساده‌ترین مفاهیم، همچون جنسیت انسانی، نشان‌دهنده‌ی بحرانی فکری و عمیق است که ریشه در جدایی دین از زندگی دارد و این امر به آشفتگی و تردید در اصول فطری انجامیده است. در مقابل، اسلام چهارده قرن پیش، تعریفی روشن از هویت جنسی ارائه داد، چنان‌که خداوند متعال فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِن ذَكَرٍ وَأُنثَى» و اسلام، خطرات انحرافات جنسی را هشدار داده است. از ابن عمر روایت شده که پیامبر ﷺ فرمودند: هنگامی که زشتی (اعمال فاحشه) در میان مردمی ظاهر شود و آشکارا در میان آنان انجام گیرد، بی‌شک طاعون و بیماری‌هایی که پیش‌تر در میان گذشتگان آن‌ها وجود نداشت، در میان آنان شیوع خواهد یافت. (روایت ابن ماجه). اسلام، قوانینی را وضع کرده که تعادل طبیعی جامعه را حفظ کند و از انحرافاتی که به فرد و جامعه آسیب می‌زند، هشدار داده است.

ای مسلمانان! تمدن سکولار و مادی‌گرای غرب که خود دچار انحراف است، مصمم است تا فطرت بشری را تغییر دهد و از بین ببرد! اما شما، فرزندان بهترین امتی هستید که برای هدایت بشر برانگیخته شده است. شما حاملان پیام عظیم اسلام و گواه حق بر جهانیان هستید، شما تنها امید نجات جهان و یگانه راه رهایی بشریت هستید. اسلام شما، یک نظام کامل و بی‌نقص است که چشم‌انداز آن بر پایه‌ی عقیده‌ای قطعی و یقینی بنا شده است. این بینش روشن، به انسان درکی حقیقی از زندگی دنیا می‌بخشد و برای وجود و حیات او معنا، هدف و مقصودی والا تعیین می‌کند تا او در مسیر هدایت پروردگار و خالق خود تعالی یابد.

ای مسلمانان! ای اهل تقوا و پاکسرشتان، ای حاملان دعوت بزرگ اسلام، این جهان بحران‌زده و رنج‌دیده، جز شما کسی را ندارد که آن را از گمراهی و سردرگمی‌اش بیرون آورد. پس دعوت عظیم اسلام را به‌عنوان نوری هدایت‌بخش برای جهانیان حمل کنید و زمین را به آسمان پیوند دهید تا خشنودی پروردگار آسمان و زمین را به دست آورید.

آیا سیاست قرقیزستان وابسته به چین است؟

استاد ممتاز ما وراء النهری

رئیس‌جمهور قرقیزستان، صدر جباروف، به دعوت رئیس‌جمهور چین، شی جین پینگ، از ۴ تا ۷ فوریه جاری، سفری رسمی به چین انجام داد. جباروف پیش از سفرش، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری شینخوا چین، درباره‌ی روابط در حال توسعه‌ی دو کشور صحبت کرد. او اشاره کرد که تجارت با چین در سال ۲۰۲۴ از ۲۲ میلیارد دلار فراتر خواهد رفت که این رقم نسبت به سال قبل، ۱۵ درصد افزایش دارد. از این میزان، ۹۱٪ مربوط به واردات و تنها ۹٪مربوط به صادرات قرقیزستان است. آغاز پروژه‌ی احداث خط راه‌آهن میان چین، قرقیزستان و ازبکستان، نشان‌دهنده‌ی سطح بالای اعتماد سیاسی میان این کشورها است. علاوه بر دو گذرگاه مرزی توروگارت و ارکشتوم در مرز قرقیزستان و چین، گذرگاه بیدیل نیز افتتاح شده است که مسیر را برای توسعه‌ی بیشتر روابط تجاری بین دو کشور هموار می‌کند. گمرک قرقیزستان، از مارس ۲۰۲۴، ساعات کاری در نقاط بازرسی مرزی را به صورت شبانه‌روزی در تمامی روزهای هفته تغییر داده است. علاوه بر این، در آینده‌ی نزدیک، پروژه‌ی ساخت جاده‌ی بارسکون، اوچ‌تورفون، اوکسو نیز اجرا خواهد شد. قرقیزستان به‌طور کامل به اصول و قواعد مندرج در منشور سازمان همکاری شانگهای پایبند است.

دولت قرقیزستان در سال ۲۰۲۳ با چین توافقنامه‌ی همکاری راهبردی جامع امضا کرد:

سیاسی: از آن زمان تاکنون، رؤسای دو کشور در سه دیدار مختلف با یکدیگر ملاقات کرده‌اند. همچنین، تعدادی از دیدارهای رسمی در سطح نخست‌وزیر، معاون نخست‌وزیر و رئیس مجلس نمایندگان برگزار شده است. وزارت اقتصاد و تجارت قرقیزستان نظام معافیت ویزا را برای ورود شهروندان چینی به قرقیزستان به مدت ۲۱ روز اجرایی کرده است. این دیدارهای مداوم نشان می‌دهد که نفوذ سیاسی چین در قرقیزستان رو به افزایش است. این فرصت مناسبی برای مقامات این کشور است تا روابط خود را با چین تقویت کنند، به‌ویژه در شرایطی که روسیه درگیر جنگ اوکراین و بحران‌های سیاسی داخلی خود است.

اقتصادی: روابط تجاری بین دو کشور تقویت شده و تعدادی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری اجرا شده‌اند. برای نمونه، ساخت کارخانه‌ی مونتاژ خودرو با مشارکت چین در داخل کشور آغاز شده است، همچنین احداث کارخانه‌ی تبدیل زباله به انرژی، اجرای مرحله‌ی نخست ساخت نیروگاه خورشیدی با ظرفیت ۴۰۰ مگاوات در ایسیک کول، بازسازی جاده‌ی کمربندی ایسیک کول و ساخت نیروگاه برق‌آبی کوچک اورتو توکوی انجام شده است. مراسم افتتاح کارخانه‌ی جوندا در ۳۰ اوت برگزار شد. علاوه بر این، بهره‌برداری از شش معدن بزرگ زغال‌سنگ در مناطق تارین، جلال‌آباد، اوش و باتکن به شرکت‌های چینی واگذار شده است. در حال حاضر، ساخت یک مرکز تجاری و لجستیکی، یک نوار نقاله‌ی زغال‌سنگ و انبارهای زغال‌سنگ در نزدیکی گذرگاه مرزی ارکشتام در حال انجام است تا زغال‌سنگ استخراج‌شده جمع‌آوری و به چین ارسال شود.

پروژه‌ی احداث خط راه‌آهن که از دهه‌ها پیش درباره ی آن صحبت شده بود، بین چین، قرقیزستان و ازبکستان، در ۲۷ دسامبر ۲۰۲۴ آغاز شد. در صورت تکمیل و بهره‌برداری از این خط راه‌آهن، این پروژه به عنوان عاملی دیگر در جهت تقویت نفوذ چین عمل خواهد کرد، چراکه ۵۱٪ از سهام شرکت سازنده‌ی این راه‌آهن متعلق به چین است، درحالی‌که ۴۹٪ باقیمانده بین قرقیزستان و ازبکستان به‌صورت مساوی (هرکدام ۲۴.۵٪) تقسیم شده است. هزینه‌ی این پروژه حدود ۴.۷ میلیارد دلار برآورد شده است. علاوه بر این، چندین پروژه‌ی دیگر تحت مدیریت شرکت های چینی در حال اجرا است. برای نمونه، پروژه‌های مشترکی با مشارکت و کنترل شرکت‌های چینی ایجاد شده‌اند و این شرکت‌ها در حال اجرای پروژه‌های کلانی مانند شهر ماناس و مرکز تجارت و لجستیک آطباشی هستند.

در حال حاضر، بیش از ۳۰۰ شرکت چینی در قرقیزستان فعالیت دارند، به‌علاوه، حدود ۲۰۰ شرکت مشترک بین قرقیزستان و چین تاسیس شده است و ۸۰٪ از مؤسسات معدنی قرقیزستان در اختیار شرکت‌های چینی است. همچنین، در چارچوب پروژه ی راه‌آهن، استخراج برخی مواد معدنی با اهمیت استراتژیک آغاز خواهد شد، ازجمله ذخایر آهن در منطقه‌ی جیتیم تو و ذخایر تیتانیوم در منطقه‌ی کیزیل اومبول. این منابع طبیعی به‌صورت مواد خام یا پردازش‌شده به چین صادر خواهند شد. گذرگاه کوهستانی بیدل که مسیر ارتباطی بارسکون را به اوچ توربون و آکسوف متصل می‌کند، نیز در این راستا مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

این موضوع در مذاکرات میان نخست‌وزیر موقت قرقیزستان، آکبیلیک جباروف و یکی از شرکت‌های بزرگ استخراج تیتانیوم در چین مورد تأکید قرار گرفته است. از سوی دیگر، بدهی قرقیزستان به چین ۳۶٪ از کل بدهی خارجی این کشور را تشکیل می‌دهد که رقم آن به ۴.۵ میلیارد دلار می‌رسد؛ بنابراین، این احتمال کاملاً وجود دارد که منابع طبیعی قرقیزستان برای بازپرداخت این بدهی‌های خارجی مورد استفاده قرار گیرد، همان‌طور که رئیس‌جمهور صدر جباروف در آغاز دوره‌ی ریاست خود به آن اشاره کرده بود.

فرهنگی: در سال‌های اخیر، چین توجه فزاینده‌ای به بخش آموزش در قرقیزستان نشان داده است. کار برای ترویج زبان و فرهنگ چینی به‌طور گسترده‌ای در حال انجام است. در حال حاضر، چهار مؤسسه‌ی کنفوسیوس در قرقیزستان فعالیت می‌کنند و بیش از ۲۰ کلاس آموزشی کنفوسیوس در شهرهای بیشکک، اوش و جلال‌آباد راه‌اندازی شده‌اند که در آن‌ها بیش از ۱۰ هزار دانشجو مشغول به تحصیل هستند. همچنین، تعداد قرقیزی‌هایی که در دانشگاه‌های چین تحصیل می‌کنند، به‌شدت در حال افزایش است. در همین حال، جریان مهاجرت دانشجویان قرقیز به دانشگاه‌های استان‌های مختلف چین برای دریافت آموزش رایگان نیز در حال افزایش است.

در پایان، نباید فراموش کنیم که نفوذ فزاینده‌ی چین در منطقه، تهدیدی برای مسلمانان به‌شمار می رود. نباید فریب بهبود برخی زیرساخت‌ها و آغاز اجرای برخی پروژه‌های استراتژیک را بخوریم، زیرا این پروژه‌ها وابستگی ما به چین را افزایش خواهند داد. تمایل قرقیزستان به سمت چین، با این تصور که از چنگال روسیه رهایی یابد، چیزی جز پناه بردن از گرمای سوزان به شعله‌های سوزان نیست. این امر تهدیدی جدی برای آینده‌ی کشور و مردم مسلمان آن به‌شمار می‌رود، درحالی‌که قرقیزستان در ازای دریافت کمک‌ها و وام‌ها، درهای کشور را به روی چین گشوده است. ظلمی که امروز بر برادران و خواهران مسلمان ما در ترکستان شرقی روا داشته می‌شود، برای بسیاری مانند افسانه‌ای دور از واقعیت به نظر می‌رسد، اما چین پیش از آنکه سرکوب مسلمانان را آغاز کند، دهه‌ها وقت خود را صرف استعمار فرهنگی آنان کرد؛ بنابراین، ما باید در برابر این توافق‌نامه‌ها که علیه منافع امت هستند، مقاومت کنیم و در برابر سیاست‌های تهاجمی چین در منطقه بایستیم. البته، این مقاومت زمانی مؤثر خواهد بود که بر اصول اسلامی استوار باشد، زیرا مقاومتی که بر پایه‌ی احساسات ملی‌گرایانه و قوم گرایانه باشد، موقتی است و توان پایداری در برابر سیستم حاکم را ندارد. همچنین، باید از افتادن در دام فریب‌های غرب و خدمت به سیاست‌های آن در مخالفت با سیاست‌های تهاجمی چین، پرهیز کنیم. پس ما در این دنیا و آخرت، جز با پیوستن به صفوف کسانی که برای اعلای کلام خدا تلاش می‌کنند، به سعادت نخواهیم رسید.

از پیامدهای تمدن سرمایه‌داری: زنان سالخورده در ژاپن داوطلبانه به زندان می‌روند!

افراد مسن، به‌ویژه زنان، در ژاپن عمداً مرتکب تخلفات قانونی می‌شوند تا به زندان بروند، تلاشی برای فرار از فقر یا تنهایی کشنده‌ای که گرفتار آن هستند. تاکایوشی شیراناگا، افسر زندان زنان توتیگی در شمال توکیو، در گفت‌وگو با شبکه‌ی سی‌ان‌ان آمریکا اظهار داشت: این مسئله بسیار عجیب شده است، برخی از زنانی که از تنهایی رنج می‌برند، حتی به ما پیشنهاد می‌دهند که ماهانه ۲۰ تا ۳۰ هزار ین (۱۳۰ تا ۱۹۰ دلار) بپردازند تا برای همیشه در اینجا زندگی کنند!

یکی از زندانیان، آکیو که ۸۱ سال دارد، در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان درباره‌ی زندگی‌اش در زندان توضیح داد. او گفت که دوران محکومیت خود را به دلیل دزدی غذا از فروشگاه‌ها سپری می‌کند و تمایلی به ترک زندان ندارد. در همین حال، یکی دیگر از زندانیان، یوکو که ۵۱ ساله است و طی ۲۵ سال گذشته، پنج بار به جرم مصرف مواد مخدر زندانی شده است، گفت: من با بسیاری از زنانی ملاقات کرده‌ام که عمداً کارهای خلاف انجام می‌دهند تا دستگیر شوند و دوباره به زندان بازگردند، به‌ویژه کسانی که در تنهایی زندگی می‌کنند یا آن‌هایی که توانایی پرداخت اجاره‌ی مسکن یا خرید غذا را ندارند.

تعلیق: چقدر تفاوت است بین اسلام که به زن کرامت بخشید و میان اصول و نظام‌هایی که او را تحقیر و استثمار کردند؛ نظام‌هایی که از زن و جسم او در دوران جوانی بهره‌کشی کردند و سپس هنگامی که پیر و پژمرده شد، او را به خانه‌های سالمندان یا خیابان‌ها انداختند. از خداوند متعال می‌خواهیم که هرچه زودتر دولت اسلام را برقرار سازد، دولتی که زندگی را بر اساس احکام رحمت و عدالت تنظیم کند و مردم را از ظلم و بدبختی دموکراسی و سرمایه‌داری نجات بخشد.